

بررسی آثار آزادسازی بازار گندم روی فقر در ایران

**

*

/ FGT / /

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر حذف دخالت‌های دولت از بازار گندم ایران روی فقر انجام شد. با استفاده از معیار NBR و روش مینوت و گلتی و داده‌های مقطع عرضی برای ۱۴۶۲۰ خانوار روستایی و ۱۲۳۲۰ خانوار شهری از داده‌های هزینه - درآمد سال ۱۳۷۹، مخارج خانوارها برای شرایط پس از آزادسازی بترتیب برای تعدیل کوتاه‌مدت و بلندمدت بدست آمد. سپس با استفاده از نرم افزار DAD 4.1 منحنی‌های کوآنتیل و شکاف فقر تجمعی در شرایط قبل و بعد از آزادسازی رسم و شاخص‌های فقر FGT و سن محاسبه شد. با استفاده از این شاخص‌ها فقر در جوامع شهری و روستایی قبل و بعد از آزادسازی مقایسه شد. نتایج مطالعه نشان داد که آزادسازی بازار گندم مخارج واقعی خانوارها را در کوتاه‌مدت و بلندمدت کاهش می‌دهد و موجب افزایش فقر در جامعه می‌گردد. بر پایه مطالعه حاضر، افزایش فقر در جوامع روستایی بیشتر از جوامع شهری است. بنابراین، به نظر می‌رسد چنانچه آزادسازی بازار گندم بدون تمهیداتی در جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در جامعه انجام پذیرد، می‌تواند باعث افزایش فقر در جامعه به خصوص مناطق روستایی شود.

* دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز. ashan2258@yahoo.com

** عضو هیأت علمی بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز.

مقدمه

به علت اهمیت گندم در تغذیه، دولت همواره حضور خود را در بازار مصرف و تولید گندم حفظ کرده است. پرداخت یارانه‌های تولیدی، خرید گندم، حمل به سیلو، ذخیره و توزیع آرد گندم را دولت بر عهده دارد. همچنین با پرداخت یارانه مصرفی بازار مصرف گندم را غیرفعال نموده است. علاوه بر آن، تمام مراحل خرید بین‌المللی و واردات را خود در اختیار دارد. آزادسازی، به منظور حذف دخالت‌های دولت از بازار تولید و مصرف و نتیجتاً برابری قیمت‌های داخلی با قیمت‌های جهانی، اثرات متفاوتی بر اقتصاد باقی می‌گذارد.

آزادسازی تجاری از چند طریق بر رفاه طبقه فقیر در جامعه مؤثر است: تغییر در قیمت کالاهای قابل تجارت، تغییر در قیمت نسبی عوامل بکار رفته در تولید (سرمایه، نیروی کار ماهر و غیرماهر) و کالاهای قابل تجارت و در نتیجه اثر بر درآمد و اشتغال فقرا، تغییر در درآمد دولت از محل مالیات‌های تجاری و بنابراین توانایی دولت برای سرمایه‌گذاری و اعطای اعتبار به طبقه فقیر، تغییر در انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، نوآوری و ابداع، و بنابراین اثر بر رشد اقتصادی و از طریق تأثیر بر ویژگی آسیب‌پذیری اقتصاد در مقابل شوک‌های منفی خارجی که می‌تواند بر فقرا مؤثر افتد.

مشاهده می‌گردد که اثرات مذکور کل اقتصاد و جامعه را متأثر می‌سازند و بر تعادل عمومی اثرگذار خواهند بود. بنابراین می‌توانند مجموعه وسیعی از سیاست‌ها را در بر بگیرند. به علاوه برخی از این اثرات سریع و برخی در بلندمدت اتفاق می‌افتد. تمامی مسائل فوق‌الذکر باعث پیچیده شدن رابطه میان آزادسازی و فقر می‌گردند و بنابراین هرگونه کلی‌سازی، کلی‌نگری و کلی‌گویی در این رابطه بایستی با دیدی انتقادآمیز نگریسته شود. امروزه رابطه میان تجارت و فقر حیطه جدیدی از مطالعات را تشکیل می‌دهد. اگر آزادسازی تجاری باعث گردد که درآمد تعداد بیشتری از افراد و خانوارها به سطحی زیر خط فقر برسد، رفم و تغییر در تجارت باعث گسترش فقر گشته است. اما بانیستر و توگه (۲۰۰۱) معتقدند که آزادسازی تجاری بر گروه‌های مختلف جامعه اثرات متفاوتی دارد و

همواره عده‌ای در جامعه از آزادسازی تجاری منتفع گردیده و عده دیگر متضرر می‌شوند اما برآیند کل اثرات آزادسازی، افزایش اشتغال و درآمد فقرا را بدنبال دارد. بطور کلی، آزادسازی تجاری را می‌توان بعنوان یک شوک وارده به اقتصاد تعبیر نمود که در نتیجه تغییر در قیمت‌های نسبی ایجاد می‌شود. اثرات متعاقب این شوک به ساختار بازار، زیرساخت‌ها و بخصوص خدمات توزیعی، پیوندهای نهادی و اقتصادی در بازارها و همچنین نحوه و سرعت عکس‌العمل عوامل وابسته است.^۱ به هر حال آزادسازی در نتیجه هر یک از عوامل فوق که باشد، بر قشر آسیب‌پذیر و در اصطلاح اقتصادی فقیر مؤثر خواهد بود. در راستای فقرزدایی و برابری اجتماعی به ویژه پس از پایان جنگ، دولت سیاست‌های تعدیل ساختاری را به منظور اصلاح سیستم اقتصادی کشور و کاهش فقر و در نتیجه افزایش برابری و عدالت اجتماعی در دستور کار خود قرار داده است. در این زمینه، آزادسازی بازارهای محصولات کشاورزی نیز در این برنامه وارد شده‌اند.

تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در مناطق روستایی کشور قرار دارند که بالاترین نرخ فقر را در کشور به خود اختصاص داده است. از آنجا که سیاست‌های آزادسازی رفاه گروه‌های مصرف‌کننده و تولیدکننده را جداگانه تحت تأثیر قرار می‌دهد، مطمئناً بر تعداد فقرا و شکاف فقر مؤثر خواهند بود و بنابراین بررسی چنین تأثیراتی می‌تواند اول به ارزیابی سیاست‌های کنونی و پس از آن پیشنهاداتی جهت اصلاح سیاست‌های کنونی به منظور تحقق هر چه بیشتر هدف اولیه و اصلی سیاست‌های مذکور که همانا فقرزدایی از جامعه روستایی و شهری ایران است، کمک نماید.

۱. مروری بر ادبیات موضوع

از اواخر سال ۱۳۶۸ دولت جمهوری اسلامی ایران که در نتیجه جنگ، محاصره اقتصادی و تا حدودی نیز اجرای سیاست‌های نامناسب اقتصادی در گذشته با مشکلات و عدم تعادل‌های اقتصادی روبرو شده بود، به اجرای سیاست‌های اقتصادی جدیدی تحت عنوان برنامه‌های تعدیل اقتصادی دست زد. به عقیده حسن‌زاده (۱۳۷۲)، این برنامه‌ها علاوه

۱. ویتروز (۲۰۰۰).

بر تأثیر گذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی، وضعیت زندگی خانوارهای ساکن کشور را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

در بررسی و اندازه گیری فقر و کمی کردن آن از شاخص های متعددی استفاده می گردد. محاسبه گروهی از این شاخص ها از نظر ریاضی پیچیده و هزینه بر می باشد در حالی که می توان شاخص های ساده دیگری را به عنوان نمایندگان فقر در جامعه معرفی نمود. ابراهیمی (۱۳۷۵) از شاخص های ساده ای چون تعداد جمعیت برخوردار از خدمات بهداشتی، تعداد جمعیت برخوردار از آب لوله کشی، تعداد جمعیت برخوردار از راه، تعداد جمعیت برخوردار از برق بهره برده و دهستان های استان مذکور را بر اساس شاخص های مورد بررسی و از نظر درجه محرومیت رتبه بندی کرد. در حالی که صوفی مجیدپور (۱۳۷۶) ابتدا خط فقر مطلق را بر اساس حداقل مواد خوراکی مورد نیاز اندازه گیری نمود. سپس شدت فقر که درجه و عمق فقر را مشخص می کند، را مورد ارزیابی قرار داد. وی از شاخص هایی چون شکاف درآمد، درصد افراد فقیر و دیگر شاخص های ساده استفاده نمود و شدت، درجه و عمق فقر را مطالعه کرد.

در تعدادی از مقالات و بررسی های موجود در رابطه با فقر، تأثیر فقر بر رفاه و توزیع درآمد مطالعه گردیده است. از جمله عادل زاده (۱۳۷۵)، به بررسی تأثیر برخی از متغیرهای عمده سیاست اجتماعی بر توزیع درآمد در ایران در فاصله سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۳ پرداخت. در مطالعات خارجی تأثیر سیاست های کلان اقتصادی بر فقر بسیار بحث شده است از جمله می توان به مطالعه رومر و گوگرتی (۱۹۹۷)، دلار و کراآی (۲۰۰۰)، لیتون و راوالیون (۱۹۹۵) در رابطه با فقر، نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی، مطالعات، بولیر (۱۹۹۸)، کاردوسو (۱۹۹۲) در زمینه تورم و فقر، مطالعه گوپتا و همکاران (۱۹۹۸) در رابطه با بدهی خارجی و فقر، مطالعات لوستیک (۱۹۹۹)، بلداسی و همکاران (۲۰۰۱) و دلار و کراآی (۲۰۰۰) در رابطه با بحران های اقتصادی در سطح کلان و فقر و مطالعات گارودا (۲۰۰۰) و دمیری و اسکویر (۱۹۹۶) در رابطه با فقر و برنامه های اعتباری اشاره کرد. در زمینه بررسی رابطه میان سیاست های کلان اقتصادی و فقر، همواره بر رابطه قوی رشد اقتصادی و کاهش فقر تأکید شده است اما باید دید کدام یک از این سیاست ها و از چه

طریقی هم به کاهش فقر و هم به بهبود توزیع درآمد کمک می‌نماید. در زمینه آزادسازی تجاری و فقر هم مانند دیگر مقوله‌ها، مطالعاتی صورت گرفته است. در این میان، اثر آزادسازی تجاری روی توزیع درآمد که ارتباط مستقیمی با فقر مطلق دارد، مورد توجه اقتصاددانان زیادی قرار گرفته است.

سلامی (۱۳۷۹) از جمله افرادی است که به آزادسازی محصولات کشاورزی در ایران توجه کرده است. وی با استفاده از سیستم تعادل عمومی برای محصولات کشاورزی، در راستای قوانین پیوستن به گات، اثرات آزادسازی کلیه محصولات کشاورزی و از جمله گندم را بررسی کرده است. اثر آزادسازی بر روی رفاه توسط تعدادی از مطالعات دنبال شده است. مطالعات مختلف دیگری نیز در ایران صورت گرفته است که اثر آزادسازی محصولات کشاورزی را بر روی رفاه در چارچوب تعادل جزئی بررسی کرده‌اند. با این حال، در ایران هرچند که مطالعاتی در زمینه اندازه‌گیری فقر صورت گرفته است^۱ اما کمتر مطالعه‌ای دیده می‌شود که صراحتاً تأثیر کمی آزادسازی بازار گندم را بر روی فقر ارزیابی کرده باشد. حال آن‌که در میان مطالعات خارجی می‌توان مواردی را مشاهده کرد که به ارتباط میان فقر و آزادسازی تجاری پرداخته‌اند^۲ باستناد کارهای تجربی انجام شده در این زمینه، می‌توان گفت که آزادسازی در شرایط مختلف جوامع گوناگون اثرات متفاوتی خواهد داشت. تعدادی از مطالعات به اثر منفی آزادسازی بر روی فقرا اشاره کرده‌اند^۳ اما عکس این حالت نیز در تعدادی از مطالعات نتیجه گرفته شده است^۴ به طور کلی می‌توان گفت پیوند و رابطه میان فقر و آزادسازی و رفعم تجاری بسیار پیچیده است و نیاز به بررسی‌های کاربردی سیستماتیک و مشکل دارد^۵.

با این دید و پیشینه تحقیقات در رابطه با اثرات آزادسازی بازار گندم ایران، تحقیق حاضر با هدف بررسی اثر آزادسازی بازار گندم در ایران بر روی فقر انجام شد.

1. محمودی (۱۳۸۱)، اسدزاده و پائول (۲۰۰۱).

2. مطالعات دیتون (۱۹۹۸) دت و راوالیون (۱۹۹۶)، وینترز (۲۰۰۰) و کاشین و همکاران (۲۰۰۱).

3. وینترز (۱۹۹۹).

4. مطالعه دواراجان و وان درمنسورگ (۲۰۰۰).

5. بانستر و توگه (۲۰۰۱).

۲. چارچوب نظری

اصولاً ارزیابی فقر از طریق تعیین یک خط فقر و یا استفاده از معیارهای فقر صورت می‌گیرد. در روش دوم نیز معمولاً خط فقر جهت محاسبه اندازه و معیارهای متفاوت نیاز است. بنابراین برآوردی از خط فقر به تحلیل‌های فقر کمک خواهد کرد. نگاهی بر مطالعات صورت گرفته، نشان می‌دهد که اصولاً می‌توان دو نوع خط فقر را برای مطالعه وضعیت فقر محاسبه نمود:

(۱) **خط فقر مطلق:** بر اساس تعریف عبارت است از مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جامعه مورد بررسی، برای تأمین حداقل نیازهای ضروری افراد لازم است.

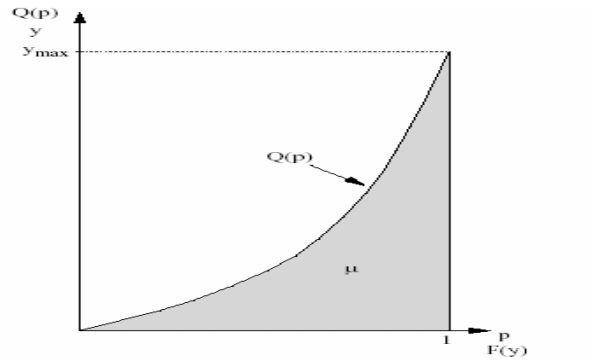
(۲) **خط فقر نسبی:** این خط فقر به صورت درصد معینی از میانه یا میانگین درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی تعریف می‌شود.

برای محاسبه خط فقر مطلق، روش‌های متفاوتی مانند روش اورشانسکی و یا رونتری وجود دارد که در کتب مرجع فقر بسیار صحبت شده است. داکلاس (۲۰۰۲)، خط فقر کل را از مجموع خط فقر غذایی و خط فقر غیرغذایی بدست می‌آورد.

یکی از ابزارهای بسیار مفید در تجزیه و تحلیل فقر، مفهوم کوآنتیل است. کوآنتیل $Q(p)$ ، سطحی از استاندارد زندگی است که زیر آن سطح، p درصد از جمعیت قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر سطحی از استاندارد زندگی است که اگر جمعیت را مرتب کنیم، p درصد جمعیت از آن میزان فقیرتر و $1-p$ درصد از جمعیت از آن سطح غنی‌تر هستند. به صورت ریاضی، می‌توان این مفهوم را به صورت رابطه (۱) نوشت:

$$Q(p) = F^{-1}(p) \quad (1)$$

در این رابطه، $p=F(y)$ نسبتی از افراد جمعیت است که درآمدی کمتر یا مساوی با y دارند.



نمودار ۱- منحنی کوآنتیل برای توزیع پیوسته

نمودار (۱)، منحنی کوآنتیل را نشان می‌دهد. روی محور افقی جمعیت برحسب درصد و روی محور عمودی، کوآنتیل مربوط به هر یک از درصدهای جمعیت قرار دارد. جمعیت روی محور افقی بترتیب کمترین به بیشترین درآمد مرتب شده‌اند. هر چه p بالاتر باشد، کوآنتیل استاندارد زندگی مربوطه بیشتر است. به عبارت دیگر، شاخص استاندارد زندگی (y) روی محور عمودی و نسبتی از افرادی که درآمدهای مساوی یا کمتر از y باشد، روی محور افقی قرار دارد. در سطح درآمد حداکثر، y_{max} مقدار $F(y_{max})$ برابر با واحد است و نقطه وسط یعنی جایی که $Q(0.5)$ است، سطحی از استاندارد زندگی است که توزیع را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌نماید.

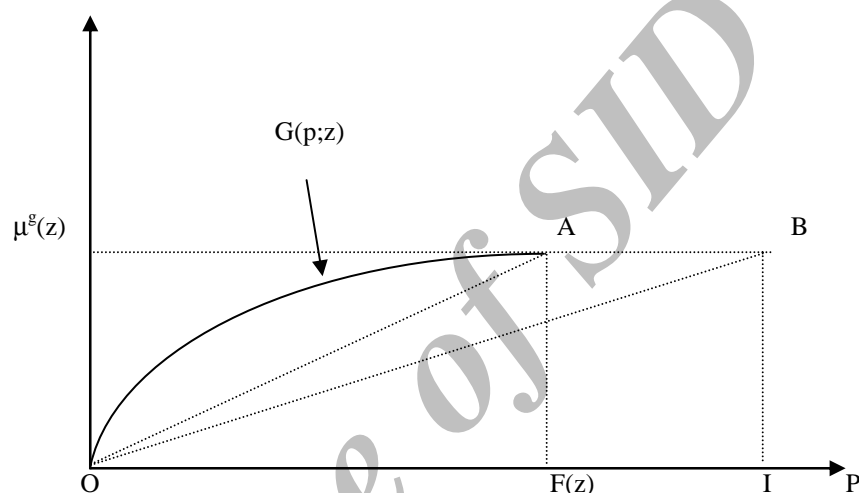
علاوه بر آن، شکاف فقر تجمعی یا CPG، نسبت p جمعیت را بر روی جمعیت انباشته می‌سازد و تعریف ریاضی آن به صورت رابطه (۲) می‌باشد:

$$G(p; z) = \int_0^p g(q; z) dy \quad (2)$$

شیب $G(p; z)$ در هر ارزش p شکاف فقر $g(p; z)$ را بدست می‌دهد. $G(p=1; z)$ برابر شکاف متوسط فقر یعنی $\mu^q(Z)$ می‌باشد و نقطه‌ای که شکاف فقر مساوی صفر می‌شود، درصد افراد فقیر در جامعه آماری را نشان می‌دهد.

نمودار (۲) شکاف فقر تجمعی را نشان می‌دهد. در این نمودار، نقطه A که نشان‌دهنده

جایی است که شکاف فقر مساوی صفر شده است، برابر نسبت سرشمار فقر می باشد. علاوه بر این، با افزایش p وضعیت در آمدی افراد بهتر شده و شکاف فقر کاهش می یابد. بنابراین $G(p; z)$ مقعر است. فاصله $G(p; z)$ تا خط برابری کامل (یعنی خط OB) نابرابری شکاف فقر در میان جمعیت را نشان می دهد و فاصله $G(p; z)$ تا خط برابری کامل شکاف فقر میان فقرا (یعنی خط OA) نابرابری شکاف های فقر را تنها در میان فقرا نشان می دهد. نهایتاً مقعر بودن $G(p; z)$ تراکم شکاف فقر را در هر p نشان می دهد.



نمودار ۲- منحنی شکاف متوسط فقر

از جمله معیارهایی که فقر را در جامعه آماری اندازه می گیرد، می توان به شاخص های FGT به عنوان شاخص اندازه گیری فقر اشاره نمود. ساده ترین و ابتدایی ترین روش اندازه گیری در این شاخص، استفاده از نسبت سرشمار است. این شاخص که گاهی به صورت درصد بیان می شود، نسبت افراد فقیر (افرادی که در آمدی زیر خط فقر دارند) را نسبت به کل افراد جامعه نشان می دهد.

$$H = q/n \quad (۳)$$

استفاده از این شاخص با تمام سادگی بیان نمی دارد که افراد فقیر چقدر از فقر رنج می برند و یا برای از بین بردن فقر آن ها به چه مقدار منابع نیاز است. در مقابل اگر به شدت

فقر تمام افراد وزن یکسانی داده شود، به عبارت دیگر فرض شود که تمام افراد فقیر به یک اندازه از فقر رنج می‌برند، می‌توان از شاخص نسبت شکاف درآمدی استفاده کرد. این شاخص که زیرمجموعه‌ای از شاخص‌های FGT است، برابر است با:

$$I = (1/n) \sum_{i=1}^q [(Z - Y_i) / Z] \quad (4)$$

که در آن I شاخص نسبت شکاف درآمدی، n تعداد کل افراد جامعه، q تعداد افراد فقیر، z خط فقر و Y_i درآمد فرد iام نمونه مورد مطالعه است. در واقع از جمع صورت کسر فوق، شکاف فقر محاسبه می‌گردد که با تقسیم بر خط فقر، این مقدار به صورت یک نسبت نشان داده می‌شود. نسبت بدست آمده با تقسیم بر تعداد افراد فقیر تعدیل می‌گردد. اما هیچ یک از این دو شاخص نسبت به توزیع مجدد درآمد در میان افراد فقیر حساس نیستند. حال آن که در صورت بزرگتر از یک در نظر گرفتن پارامتر α در رابطه (۵)، شاخص FGT نسبت به توزیع مجدد درآمد حساس خواهد شد:

$$FGT = p(\alpha) = 1/n \sum_{i=1}^q [(Z - Y_i) / Z]^\alpha \quad (5)$$

این پارامتر میزان گریز از فقر را در جامعه نشان می‌دهد و هر چه اندازه این پارامتر بزرگتر باشد، بدان معناست که جامعه از فقر گریزان‌تر بوده و به فقیرترین افراد اهمیت بیشتری می‌دهد. چنانچه پارامتر α برابر صفر باشد، شاخص نسبت سرشمار و در صورت برابر واحد بودن این پارامتر شاخص نسبت شکاف درآمدی بدست خواهد آمد. اما با برابر گرفتن این پارامتر شاخص FGT بدست می‌آید.

هر چند که شاخص FGT به عنوان کارآترین شاخص اندازه‌گیری فقر از میان شاخص‌های فقر شناخته شده است، اما جهت مقایسه شاخص سن نیز برای اندازه‌گیری فقر در مطالعه حاضر بررسی شد. در شاخص سن برای هر بردار توزیع درآمد X در جامعه، شکاف کل فقر مربوط به مجموعه افراد فقیر عبارت از حاصل جمع موزون نرمال شده شکاف فقر هر یک از افراد فقیر جامعه است. این شاخص از نظر ریاضی بصورت رابطه (۶) تعریف می‌شود:

$$PS = H [I = (1-D)G^*] \quad (۶)$$

که در آن I نسبت شکاف درآمدی، H شاخص سرشمار و G^* ضریب جینی توزیع درآمد میان افراد فقیر است که با استفاده از روابط زیر محاسبه می‌شوند^۱:

$$H = \frac{\sum_{i=1}^n w_i^k * I(y_i^k \leq Z)}{\sum_{i=1}^n w_i^k} \quad (۷)$$

$$G^* = 1 + \frac{1}{q} - \frac{2}{q^2 \mu^*} \sum_{i=1}^q y_i (q+1-i) \quad (۸)$$

$$q = \frac{\sum_{i=1}^n w_i^k * I(Z = y_i^k)}{\sum_{i=1}^n w_i^k} \quad (۹)$$

و μ^* میانگین درآمد افراد فقیر جامعه است. از ویژگی‌های شاخص سن آن است که اندازه آن بین صفر (در حالتی که فرد فقیر در جامعه وجود نداشته باشد) و یک (حالتی که درآمد کلیه افراد جامعه مساوی صفر باشد)، تغییر می‌کند.

تغییرات قیمت می‌تواند بر رفاه خانوار مؤثر باشد. این تأثیر به علت تغییر در درآمد واقعی و بنابراین قدرت خرید خانوار اتفاق می‌افتد. دیتون (۱۹۸۹) برای اولین بار معیار نسبت سود خالص^۲ (NBR) را معرفی نمود. NBR یک معیار بسیار کوتاه‌مدت در محاسبه تغییر در مخارج واقعی خانوارها است که فرض می‌کند که در اثر تغییر قیمت کالا، هیچ تغییری در جایگاه خانوار از نظر فروشنده خالص و یا خریدار خالص بودن صورت نخواهد گرفت و تغییری هم در بازار کار یا درآمد غیر کشاورزی رخ نمی‌دهد. از نظر ریاضی NBR را می‌توان به صورت زیر محاسبه کرد:

1. داکلاس، ارار و فورتن (۲۰۰۲).

2. Net Benefit Ratio (NBR).

$$NBR = PR - CR \quad (10)$$

در رابطه (۱۰)، PR ارزش تولید گندم به صورت درصدی از درآمد تولیدکننده و CR ارزش مصرف گندم، نان و فرآورده‌های مربوط به گندم و آرد گندم به صورت درصدی از مخارج مصرف‌کننده می‌باشد. جهت محاسبه تغییر کوتاه‌مدت در درآمد واقعی، بایستی درصد افزایش در قیمت را در معیار فوق ضرب کرد.

علاوه بر تغییر کوتاه‌مدت در درآمد واقعی، می‌توان تغییر بلندمدت در درآمد واقعی را نیز محاسبه نمود. مینوت و گلتنی (۲۰۰۰) در مطالعه خود، پس از انجام عملیات ریاضی بر روی توابع سود و مخارج و تلفیق اثر تغییر قیمت بر روی خانوار به عنوان مصرف‌کننده و تولیدکننده کالا، رابطه زیر را جهت محاسبه تغییر در مخارج واقعی خانوار ارائه کردند:

$$\frac{\Delta w^2}{x_0} = PR_w \frac{\Delta p_w^p}{p_{0w}} + \frac{1}{2} \varepsilon_{ww}^S PR_w \left(\frac{\Delta p_w^p}{p_{0w}} \right)^2 - CR_w \frac{\Delta p_w^c}{p_{0w}} - \frac{1}{2} e_{ww}^H CR_w \left(\frac{\Delta p_w^c}{p_{0w}} \right)^2 \quad (11)$$

در رابطه (۱۱) که اثر بلندمدت تغییر قیمت گندم را بر روی مخارج خانوار بدست می‌دهد، اندیس‌های p و c به ترتیب نشان‌دهنده قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده گندم هستند، PR و CR قبلاً معرفی شدند، ε_{ww}^S و e_{ww}^H به ترتیب کشش‌های قیمتی عرضه و تقاضای گندم و $\frac{\Delta p_w}{p_0}$ درصد تغییر در قیمت گندم را نشان می‌دهد.

۳. الگو و داده‌ها

مخارج کل خانوارها به عنوان شاخص استاندارد زندگی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. این داده‌ها بصورت مقطع عرضی برای ۱۴۶۲۰ خانوار روستایی و ۱۲۳۲۰ خانوار شهری از داده‌های هزینه - درآمد خانوار مرکز آمار ایران برای سال ۱۳۷۹ بدست آمد. این داده‌ها هر ساله توسط مرکز آمار ایران از سراسر کشور جمع‌آوری می‌گردد. در مطالعه حاضر از خطوط فقر نسبی و مطلق استفاده شد. خط فقر محاسبه شده توسط پژوهشگران (۱۳۷۹)، که برای سال ۱۳۷۷ در دو بخش شهری و روستایی محاسبه شده است، پس از تعدیل به عنوان خط فقر مطلق مورد استفاده قرار گرفت. جهت تعدیل این خطوط از شاخص

بهای کالا و خدمات در مناطق شهری و روستایی استفاده شد. همچنین، خط فقر نسبی نیز با استفاده از روش طیبیان (۱۳۷۹) برای مجموعه داده‌های موجود محاسبه و مورد استفاده قرار گرفت. در این روش مقدار شاخص متناظر با میانه جمعیت محاسبه می‌شود. پس از آن، ربع این مقدار به عنوان خط فقر اول و نصف آن، خط فقر دوم در نظر گرفته می‌شود. جهت بررسی فقر، پس از محاسبه خط فقر در سال ۱۳۷۹، با در نظر گرفتن مخارج خانوار، منحنی‌های کوآنتیل و شکاف فقر تجمعی برای شرایط قبل از آزادسازی رسم گردید و شاخص‌های فقر FGT و سن در شرایط قبل از آزادسازی محاسبه گردید. منحنی‌های توضیح داده‌شده در فوق، توسط نرم‌افزار DAD 4.1 برای شرایط قبل از آزادسازی با استفاده از مخارج خانوارها به عنوان شاخص استاندارد زندگی رسم و شاخص‌ها محاسبه شد. در مرحله دوم، فرض شد که در صورت آزادسازی و برابری قیمت‌های داخلی با قیمت‌های جهانی گندم و فرآورده‌های آن، مخارج واقعی خانوارها تغییر خواهد یافت. تغییر در مخارج واقعی خانوارها هم در شرایط کوتاه‌مدت و هم در شرایط بلندمدت بدست آمده و با استفاده از میزان تغییر، مخارج خانوارها در شرایط بعد از آزادسازی در صورت تعدیل کوتاه‌مدت و بلندمدت شبیه‌سازی شد.

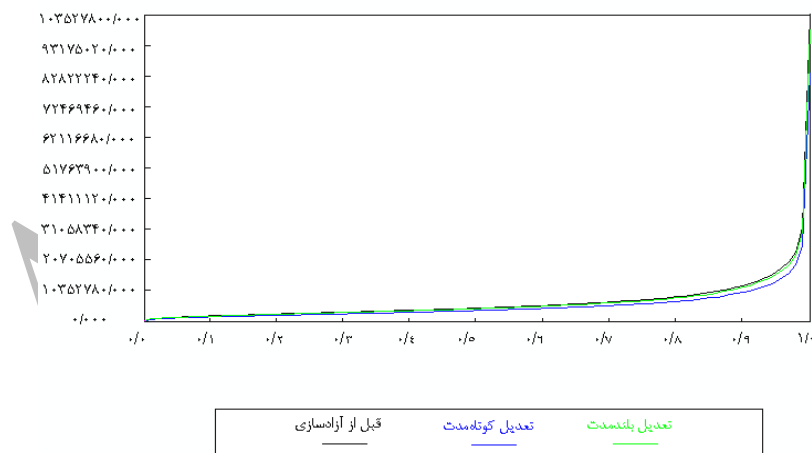
پس از بدست آوردن مخارج خانوارها در شرایط تعدیل کوتاه و بلندمدت پس از آزادسازی، منحنی‌ها و شاخص‌های فقر بحث‌شده برای شرایط جدید مجدداً محاسبه شدند و تغییر در آنها در اثر آزادسازی بررسی شد. قبل از بررسی نتایج مطالعه باید اضافه کرد که داده‌های مورد نیاز در محاسبه PR از سازمان جهاد کشاورزی بدست آمد. نسبت CR در خانوارهای شهری و روستایی با استفاده از داده‌های هزینه - درآمد مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۹ و کشش‌های قیمتی عرضه و تقاضای گندم از مطالعه شوشتریان (۱۳۸۲) بدست آمده‌اند.

۴. برآورد و نتایج

با استفاده از معیار NBR و روش مینوت و گلتنی، مخارج خانوارها برای شرایط پس از آزادسازی در صورت تعدیل کوتاه‌مدت و بلندمدت بدست آمد. نسبت CR برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۱/۵۸ و ۴/۳۷ درصد و نسبت PR برای مناطق مذکور به ترتیب صفر و ۰/۴۲ درصد محاسبه شد. بر این اساس، NBR برای مناطق شهری، ۱/۵۸- و برای

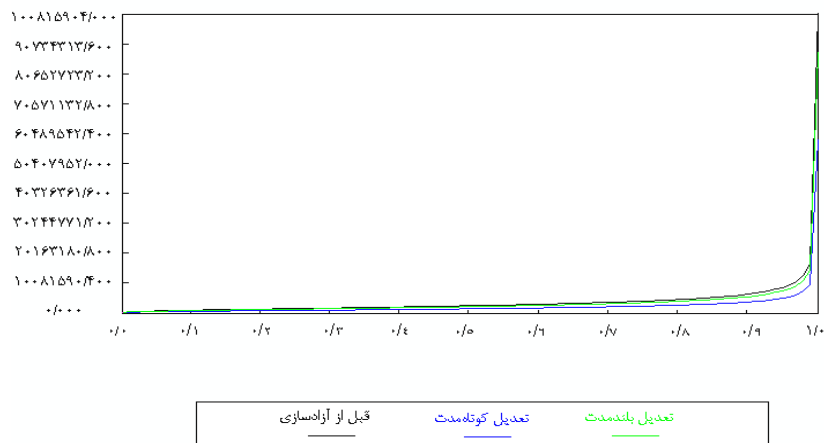
مناطق روستایی ۳/۹۵- بدست آمد. با توجه به این که تمام خانوارها (چه شهری و چه روستایی) مصرف کننده نان و فرآورده های گندم هستند و بنابراین قیمت مصرف کننده برای هر دو گروه آنها یکسان است، درصد افزایش قیمت مصرف کننده پس از آزادسازی بدست آمد. بدین ترتیب NBR محاسبه شده در درصد تغییر قیمت مصرف کننده ضرب شد تا درصد تغییر در مخارج واقعی کوتاه مدت برای خانوارهای شهری ۱۹ و برای خانوارهای روستایی ۴۷ درصد محاسبه شد. در مرحله بعد با دانستن کشش قیمتی عرضه برابر ۰/۱۹ و کشش قیمتی تقاضا برابر ۰/۱۲، میزان افزایش در قیمت تولید کننده و مصرف کننده پس از آزادسازی، تغییر در مخارج واقعی خانوارها در شرایط تعدیل بلندمدت برای خانوارهای شهری ۵ و برای خانوارهای روستایی ۱۳ درصد بدست آمد.

خط فقر مطلق مورد استفاده پس از تعدیل خطوط فقر پژوهی با استفاده از شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری و روستایی برای سال ۱۳۷۹، ۲۰۳۸۹۲۹ ریال برای جوامع شهری و ۱۱۶۳۵۶۹ ریال برای جوامع روستایی بدست آمد. همچنین با استفاده از روش طبیعیان (۱۳۷۹) خط فقر نسبی اول و دوم برای جوامع شهری به ترتیب ۱۱۰۴۹۲۰ و ۲۲۰۹۸۴۰ ریال و برای جوامع روستایی به ترتیب ۶۱۸۲۶۱ و ۱۲۳۶۵۲۲ ریال بدست آمد. نمودارهای (۳) و (۴)، سطح استاندارد زندگی در دهک های درآمدی نمونه شهری و روستایی را در شرایط قبل و بعد از آزادسازی نشان می دهند.



نمودار ۳- سطح استاندارد زندگی در دهک های درآمدی نمونه شهری

قبل و بعد از آزادسازی



نمودار ۴- سطح استاندارد زندگی در دهک‌های درآمدی نمونه روستایی
قبل و بعد از آزادسازی

این نمودارها روشن می‌سازند که قبل از آزادسازی، استاندارد زندگی برای دهک‌های مختلف درآمدی در بالاترین حد خود قرار دارد. اما پس از آزادسازی بعلت کاهش در مخارج، سطح استاندارد زندگی کاهش می‌یابد. این کاهش برای زمانی که تعدیل کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد، بیشتر بوده و بنابراین منحنی کوآنتیل مربوط به این مخارج پایین‌ترین سطح استاندارد زندگی را برای هر کوآنتیل نشان می‌دهد.

همچنین جدول (۱) سطوح استاندارد زندگی را برای دهک‌های اول تا دهم درآمد برای جوامع شهری و روستایی در نمونه مورد بررسی برای شرایط قبل و بعد از آزادسازی نشان می‌دهند. با نگاهی به این جدول مشخص است که پس از آزادسازی مخارج واقعی کاهش یافته و بنابراین سطحی از استاندارد زندگی که قبل از آزادسازی، p درصد جمعیت زیر آن سطح قرار داشتند، درست به اندازه کاهش در مخارج واقعی، کاهش می‌یابند.

مفهوم دیگری که بر پایه مفهوم کوآنتیل بدست آمد، منحنی شکاف فقر تجمعی یا CPG می‌باشد. جدول (۲)، شکاف فقر تجمعی را برای شرایط قبل و بعد از آزادسازی در خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهد. از جدول مذکور می‌توان نتیجه گرفت که در صورت عدم مداخله دولت در بازار گندم و عدم حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، چنانچه

مخارج واقعی خانوارها کاهش یابد، شکاف فقر تجمعی افزایش شدیدی خواهد داشت.

جدول ۱- کوانتیل ۰/۱ تا ۱/۰ (دهک اول تا دهم) قبل و بعد از آزادسازی بازار گندم

استاندارد زندگی در تعدیل بلندمدت		استاندارد زندگی در تعدیل کوتاه‌مدت		استاندارد زندگی قبل از آزادسازی		
نمونه روستایی	نمونه شهری	نمونه روستایی	نمونه شهری	نمونه روستایی	نمونه شهری	
۸۴۴۰۹۱	۱۷۰۳۵۴۳	۵۶۲۷۲۸	۱۴۵۲۴۹۵	۹۷۰۲۲۰	۱۷۹۳۲۰۳	دهک اول Q(0.1)
۱۱۵۷۸۶۲	۲۳۲۲۵۹۵	۷۷۱۹۰۸	۱۹۸۰۳۱۸	۱۳۳۰۸۷۶	۲۴۴۴۸۳۷	دهک دوم Q(0.2)
۱۴۵۶۹۶۹	۲۹۱۲۱۲۶	۹۷۱۳۱۳	۲۴۸۲۹۷۱	۱۶۷۴۶۷۷	۳۰۶۵۳۹۶	دهک سوم Q(0.3)
۱۷۸۰۳۴۸	۳۵۲۰۸۲۰	۱۱۸۶۸۹۹	۳۰۰۱۹۶۲	۲۰۴۶۳۷۸	۳۷۰۶۱۲۶	دهک چهارم Q(0.4)
۲۱۵۱۵۴۹	۴۱۹۸۶۹۶	۱۴۳۴۳۶۶	۳۵۷۹۹۴۱	۲۴۷۳۰۴۵	۴۴۱۹۶۸۰	دهک پنجم Q(0.5)
۲۵۸۲۶۸۲	۵۰۴۰۷۰۰	۱۷۲۱۷۸۸	۴۲۹۷۸۶۰	۲۹۶۸۶۰۰	۵۳۰۶۰۰۰	دهک ششم Q(0.6)
۳۱۵۰۸۲۷	۶۱۷۱۳۴۲	۲۱۰۰۵۵۱	۵۲۶۱۸۸۱	۳۶۲۱۶۴۰	۶۴۹۶۱۴۹	دهک هفتم Q(0.7)
۳۹۳۴۰۰۹	۷۸۵۰۰۳۷	۲۶۲۲۶۷۳	۶۶۹۳۱۸۹	۴۵۲۱۸۵۰	۸۲۶۳۱۹۶	دهک هشتم Q(0.8)
۵۵۱۹۴۴۴	۱۱۴۰۲۷۲۳	۳۶۷۹۶۲۹	۹۷۲۲۳۲۲	۶۳۴۴۱۸۹	۱۲۰۰۲۸۶۷	دهک نهم Q(0.9)
۸۷۷۰۹۸۳۲	۹۸۳۵۱۴۰۸	۵۸۴۷۳۲۲۴	۸۳۸۵۷۵۲۰	۱۰۰۵۸۳۶۰۰	۱۰۳۵۲۷۸۰۰	دهک دهم Q(1.0)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲- شکاف فقر تجمعی قبل و بعد از آزادسازی بازار گندم

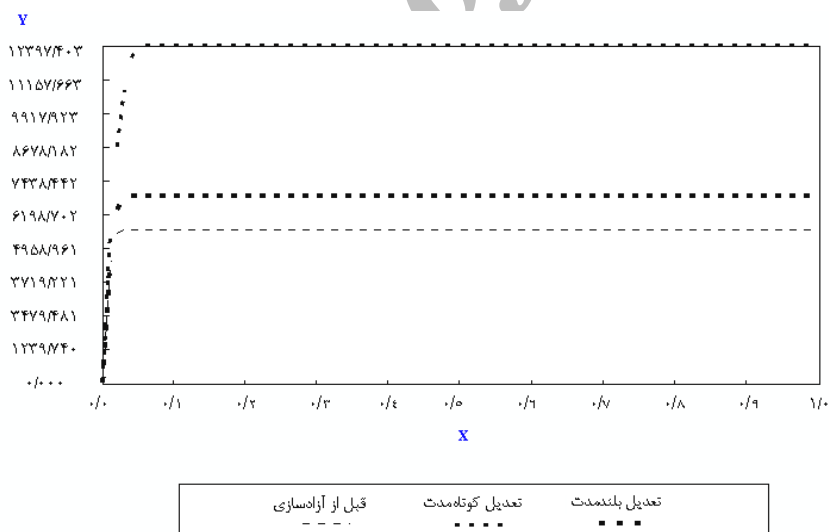
در خانوارهای شهری و روستایی

نمونه روستایی		نمونه شهری		خط فقر مطلق	خط فقر نسبی اول	خط فقر نسبی دوم	خط فقر مطلق	خط فقر نسبی اول	خط فقر نسبی دوم	خط فقر مطلق	خط فقر نسبی اول	خط فقر نسبی دوم
درصد تغییر	شکاف فقر تجمعی	درصد تغییر	شکاف فقر تجمعی									
-	۵۰۰۹۵/۷۶۱	-	۷۶۳۳۰/۷۶۱									
-	۴۲۶۹/۶۵۱	-	۵۶۵۹/۶۰۳									
-	۶۱۷۳۹/۸۷۶	-	۱۰۲۰۵۳/۶۳۴									
۲۲۳	۱۶۲۰۱۹/۱۱۹	۶۹	۱۲۹۳۱۸/۹۹۹									
۳۹۹	۲۱۳۳۱/۸۹۳	۱۱۹	۱۲۳۹۷/۴۰۳									
۲۱۰	۱۹۱۶۱۲/۱۸۰	۶۵	۱۶۸۴۹۷/۴۸۸									
۴۰	۷۰۱۳۴/۳۰۹	۱۵	۸۷۳۷۳/۵۲۵									
۵۷	۶۷۰۹/۲۹۸	۲۱	۶۸۷۱/۰۷۲									
۳۹	۸۵۷۰۴/۸۶۸	۱۴	۱۱۶۰۱۶/۴۷۸									

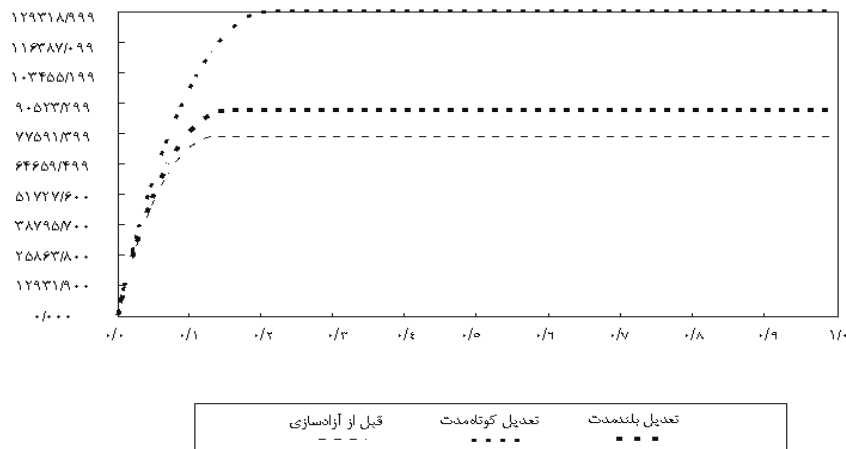
مأخذ: یافته‌های تحقیق

در خانوارهای شهری بیشترین درصد افزایش در CPG (۱۱۹٪)، هنگامی است که تعدیل کوتاه مدت را در شرایطی در نظر می‌گیرد که خط فقر مورد نظر، خط فقر نسبی دوم می‌باشد. حال آن‌که چنانچه منطقی‌تر به قضیه نگریسته شود و تعدیل بلندمدت مخارج برای شرایط بعد از آزادسازی معیار تحلیل باشد، افزایش در شکاف فقر تجمعی کمتر خواهد بود. اما در هر صورت افزایشی حدود ۱۴ تا ۲۱ درصد (بر اساس خطوط مختلف فقر)، افزایشی نیست که بتوان به راحتی از آن صرف نظر کرد. توضیحات فوق با شدت بیشتری در مورد خانوارهای روستایی نیز مصداق دارد. در خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری، بعلت اختصاص درصد بیشتری از مخارج کل خانوار به مخارج خوراکی، وضعیت فقر پس از افزایش مخارج بغرنج‌تر خواهد بود.

نمودارهای (۵) و (۶) منحنی شکاف فقر تجمعی را برای خانوارهای شهری و روستایی در شرایط نشان می‌دهند که خط فقر مطلق اساس محاسبه شکاف فقر تجمعی است. با این توضیح که در صورت در نظر گرفتن خطوط فقر نسبی هم وضعیت همین‌گونه است. افزایش فقر پس از آزادسازی بوسیله منحنی شکاف فقر تجمعی هم تأیید می‌شود.



نمودار ۵- شکاف فقر تجمعی قبل و بعد از آزادسازی با استفاده از خط فقر مطلق در نمونه شهری



نمودار ۶- شکاف فقر تجمعی قبل و بعد از آزادسازی با استفاده از خط فقر مطلق در نمونه روستایی

جداول (۳) و (۴)، مجموعه شاخص های FGT را برای خانوارهای شهری و روستایی قبل و بعد از آزادسازی نشان می دهد.

جدول ۳- شاخص فقر FGT نرمال شده در شرایط قبل و بعد از آزادسازی بازار گندم در خانوارهای شهری

نسبت سرشمار (P_0)	شکاف درآمدی (P_1)	شدت فقر (P_2)		
۰/۱۳۶۷ (۰/۰۰۳۱)	۰/۰۳۷۴ (۰/۰۰۱۱)	۰/۰۱۵۰ (۰/۰۰۰۵)	خط فقر مطلق	قبل از آزادسازی
۰/۰۲۴۳ (۰/۰۰۱۴)	۰/۰۰۵۱ (۰/۰۰۰۴)	۰/۰۰۱۷ (۰/۰۰۰۲)	خط فقر نسبی اول	
۰/۱۶۳۵ (۰/۰۰۳۳)	۰/۰۴۶۲ (۰/۰۰۱۲)	۰/۰۱۸۹ (۰/۰۰۰۶)	خط فقر نسبی دوم	
۰/۲۱۲۰ (۰/۰۰۳۷)	۰/۰۶۳۴ (۰/۰۰۱۴)	۰/۰۲۷۲ (۰/۰۰۰۷)	اندازه شاخص	تعدیل کوتاه مدت
۵۴/۷	۶۹/۶	۸۱/۳	درصد تغییر	
۰/۰۵۰۲ (۰/۰۰۲۰)	۰/۰۱۱۲ (۰/۰۰۰۶)	۰/۰۰۳۹ (۰/۰۰۰۲)	اندازه شاخص	

ادامه جدول ۳-

نسبت سرشمار (P_0)	شکاف درآمدی (P_1)	شدت فقر (P_2)		
۱۰۶/۶	۱۱۹/۶	۱۲۹/۴	درصد تغییر	خط فقر نسبی
۰/۲۴۵۱ (۰/۰۰۳۹)	۰/۰۷۶۳ (۰/۰۰۱۵)	۰/۰۳۳۶ (۰/۰۰۰۸)	اندازه شاخص	
۴۹/۹	۶۴/۹	۷۷/۲	درصد تغییر	خط فقر مطلق
۰/۱۵۳۸ (۰/۰۰۳۳)	۰/۰۴۲۸ (۰/۰۰۱۱)	۰/۰۱۷۵ (۰/۰۰۰۶)	اندازه شاخص	
۱۲/۵	۱۴/۴	۱۶/۷	درصد تغییر	خط فقر نسبی اول
۰/۰۳۰۰ (۰/۰۰۱۵)	۰/۰۰۶۲ (۰/۰۰۰۴)	۰/۰۰۲۱ (۰/۰۰۰۲)	اندازه شاخص	
۲۳/۴	۲۱/۶	۲۳/۵	درصد تغییر	خط فقر نسبی دوم
۰/۱۸۱۹ (۰/۰۰۳۵)	۰/۰۵۲۵ (۰/۰۰۱۲)	۰/۰۲۱۹ (۰/۰۰۰۷)	اندازه شاخص	
۱۱/۲	۱۳/۶	۱۵/۹	درصد تغییر	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

* منظور از درصد تغییر، تغییر شاخص نسبت به حالت مشابه در وضعیت قبل از آزادسازی است.

** اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده انحراف معیار شاخص‌های محاسبه شده است.

در سال ۱۳۷۹ اگر خط فقر مطلق مبنای تجزیه و تحلیل باشد، تقریباً ۱۴ درصد نمونه شهری و ۱۵ درصد نمونه روستایی زیر خط فقر قرار داشته‌اند. در این صورت، شکاف درآمدی و شدت فقر به ترتیب ۰/۰۳۷۴ و ۰/۰۱۵۰ در خانوارهای شهری و ۰/۰۴۳۱ و ۰/۰۱۸۲ در خانوارهای روستایی بوده است.

جدول ۴- شاخص فقر FGT نرمال شده در شرایط قبل و بعد از آزادسازی بازار گندم

در خانوارهای روستایی

نسبت سرشمار (P_0)	شکاف درآمدی (P_1)	شدت فقر (P_2)		
۰/۱۴۹۴ (۰۰۲۹)	۰/۰۴۳۱ (۰/۰۰۱۱)	۰/۰۱۸۲ (۰/۰۰۰۶)	خط فقر مطلق	قبل از آزادسازی
۰/۰۲۹۸ (۰/۰۰۱۴)	۰/۰۰۶۹ (۰/۰۰۰۴)	۰/۰۰۲۶ (۰/۰۰۰۲)	خط فقر نسبی اول	

ادامه جدول ۴ -

شدت فقر (P_2)	شکاف درآمدی (P_1)	نسبت سرشمار (P_0)		
۰/۰۲۱۴ (۰/۰۰۰۶)	۰/۰۴۹۹ (۰/۰۰۱۱)	۰/۱۷۰۴ (۰/۰۰۳۱)	خط فقر نسبی دوم	
۰/۰۶۸۰ (۰/۰۰۱۱)	۰/۱۳۹۲ (۰/۰۰۱۸)	۰/۳۸۹۵ (۰/۰۰۴۰)	اندازه شاخص	خط فقر مطلق
۲۷۳/۶	۲۲۳/۳	۱۶۰/۷	درصد تغییر	
۰/۰۱۴۲ (۰/۰۰۰۵)	۰/۰۳۴۵ (۰/۰۰۰۹)	۰/۱۲۴۷ (۰/۰۰۲۷)	اندازه شاخص	خط فقر نسبی اول
۴۶۸	۴۰۰	۳۱۸/۴	درصد تغییر	
۰/۰۷۷۱ (۰/۰۰۱۲)	۰/۱۵۵۰ (۰/۰۰۱۹)	۰/۴۲۰۷ (۰/۰۰۴۱)	اندازه شاخص	خط فقر نسبی دوم
۲۵۹/۷	۲۱۰/۶	۱۴۶/۸	درصد تغییر	
۰/۰۲۶۳ (۰/۰۰۰۷)	۰/۰۶۰۳ (۰/۰۰۱۲)	۰/۲۰۱۹ (۰/۰۰۳۳)	اندازه شاخص	خط فقر مطلق
۴۴/۵	۱۳۵/۷	۳۵/۱۱	درصد تغییر	
۰/۰۰۴۱ (۰/۰۰۰۳)	۰/۰۱۰۹ (۰/۰۰۰۵)	۰/۰۴۴۷ (۰/۰۰۱۷)	اندازه شاخص	خط فقر نسبی اول
۶۴/۲	۵۷/۹	۵۰/۱	درصد تغییر	
۰/۰۳۰۷ (۰/۰۰۰۸)	۰/۰۶۹۳ (۰/۰۰۱۳)	۰/۲۲۵۵ (۰/۰۰۳۵)	اندازه شاخص	خط فقر نسبی دوم
۴۳/۲	۳۸/۸	۳۲/۳	درصد تغییر	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

هر سه این شاخص‌ها پس از آزادسازی افزایش می‌یابند. در صورت تعدیل کوتاه‌مدت ۲۱ درصد افراد شهری و ۳۹ درصد افراد روستایی زیر خط فقر مطلق قرار می‌گیرند. حال آن‌که در صورت تعدیل بلندمدت نسبت سرشمار در خانوارهای شهری و روستایی کمتر و به ترتیب ۱۵ و ۲۰ درصد خواهد بود. شکاف درآمدی نیز پس از آزادسازی افزایش نشان می‌دهد. درصد افزایش در شکاف درآمدی در صورت تعدیل کوتاه‌مدت در خانوارهای شهری و روستایی، به ترتیب ۶۹/۶ و ۲۲۳/۳ درصد و در صورت تعدیل بلندمدت به ترتیب

۱۴/۴ و ۱۳۵/۷ درصد است. همچنین شدت فقر هم سایر شاخص‌ها افزایش فراوانی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که افزایش در شدت فقر در خانوارهای شهری و روستایی در صورت تعدیل کوتاه‌مدت به ترتیب ۸۱/۳ و ۲۷۳/۶ درصد و در صورت تعدیل بلندمدت به ترتیب ۱۶/۷ و ۴۴/۵ درصد حالت قبل از آزادسازی است.

این تحلیل‌ها در صورت استفاده از خطوط فقر نسبی هم مصداق دارد. مشاهده می‌شود که افزایش فقر در اثر آزادسازی بازار گندم در خانوارهای روستایی شدیدتر و بغرنج‌تر است. بنابراین با توجه به وضعیت فقرا قبل از هر تصمیم در مورد بازار گندم اجتناب‌ناپذیر است.

جدول ۵- شاخص فقر سن قبل و بعد از آزادسازی بازار گندم در خانوارهای شهری و روستایی

نمونه روستایی		نمونه شهری		خط فقر مطلق	قبل از آزادسازی
درصد تغییر	شاخص سن	درصد تغییر	شاخص سن		
-	۰/۰۵۹۷	-	۰/۰۵۱۹	خط فقر مطلق	قبل از آزادسازی
-	۰/۰۰۹۸	-	۰/۰۰۷۳	خط فقر نسبی اول	
-	۰/۰۶۹۲	-	۰/۰۶۳۹	خط فقر نسبی دوم	
۲۱۴/۲	۰/۱۸۷۶	۶۸/۱	۰/۰۸۷۲	خط فقر مطلق	تعدیل کوتاه‌مدت
۳۸۹/۸	۰/۰۴۸۲	۱۱۶/۷	۰/۰۱۵۸	خط فقر نسبی اول	
۲۰۰/۱	۰/۰۲۰۷۶	۶۳/۳	۰/۱۰۴۲	خط فقر نسبی دوم	
۳۹/۹	۰/۰۸۳۵	۱۴/۳	۰/۰۵۹۴	خط فقر مطلق	تعدیل بلندمدت
۵۴/۷	۰/۰۱۵۳	۲۲/۱	۰/۰۰۸۹	خط فقر نسبی اول	
۳۸/۰	۰/۰۹۵۵	۱۳/۴	۰/۰۷۲۵	خط فقر نسبی دوم	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

* درصد تغییر نشان‌دهنده میزان تغییر شاخص نسبت به وضعیت مشابه قبل از آزادسازی است.

بررسی شاخص‌های سن محاسبه شده هم در خانوارهای شهری و روستایی نتایج بدست آمده از شاخص FGT را تأیید می‌کنند. جدول (۵) شاخص فقر سن را برای خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهند. در صورت مقایسه شاخص سن قبل از

آزادسازی در خانوارهای شهری و روستایی، بالاتر بودن فقر در مناطق روستایی مشخص است. از سوی دیگر پس از آزادسازی، دامنه فقر هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی افزایش می‌یابد. این شاخص نیز نشان می‌دهد که افزایش فقر به علت آزادسازی بازار گندم در نقاط روستایی گسترده‌تر است. بر اساس تحلیل شاخص سن مشخص است که در صورت تعدیل بلندمدت مخارج توسط خانوارها، عدم دخالت دولت در بازار گندم باعث افزایش ۱۴ درصدی شاخص فقر در مناطق شهری و افزایش ۴۰ درصدی در مناطق روستایی خواهد شد.

با توجه به نتایج بدست آمده، می‌توان به اعتماد قوی این نتیجه را اتخاذ نمود که افزایش فقر و گسترش دامنه فقر در کل ایران بخصوص مناطق روستایی، نتیجه مستقیم عدم دخالت دولت در بازار گندم و حاکم بودن قیمت‌های جهانی بر بازار داخلی است. با تکیه بر این نتیجه، هرگونه تصمیم در رابطه با حذف دولت از سیستم بازار گندم بایستی با تأمل و همراه سیاست‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر صورت گیرد.

جمع‌بندی و ملاحظات

با توجه به یافته‌های پژوهش، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

(۱) مطالعات کیفی انجام شده در رابطه با فقر و بررسی علل و دلایل ایجاد فقر در جامعه، معتقدند که علل فقر در جامعه گسترده است. بر اساس این مطالعات می‌توان اظهار کرد که آزادسازی علت ایجاد فقر در جامعه نیست و تنها گسترش فقر موجود را در جامعه دامن می‌زند. بنابراین بنظر می‌رسد هرچند مطالعه حاضر نشان داد که اندازه فقر در جامعه در اثر آزادسازی افزایش می‌یابد، اما بدون مطالعه کمی بر روی علل پیدایش فقر نمی‌توان با نتیجه‌گیری دقیقی در مورد اثر سیاست آزادسازی بر روی فقر اظهار نظر کرد. بنابراین انجام مطالعات گسترده‌تر کمی بر روی علل فقر در جامعه می‌تواند در تصمیم‌گیری راهگشا باشد.

(۲) از آنجا که مطالعه حاضر نشان می‌دهد اثر آزادسازی بر فقر جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری بیشتر است، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی که منبع اصلی درآمد

روستاییان را تشکیل می‌دهد، به عنوان راهکار مکمل می‌تواند به کاهش فقر خانوارها سرعت بخشد. در این زمینه می‌توان تأکید و تمرکز را بر روی بخش‌هایی قرار داد که در تأمین مواد غذایی دخالت دارند.

۳) هرچند که حرکت در راستای آزادسازی در دنیای کنونی، ضروری بنظر می‌رسد، اما جلوگیری از مسایل سیاسی و اجتماعی، بدتر شدن وضع فقر در جامعه و حمایت از محرومان جامعه پس از اجرای سیاست‌های اینچنین ضرورتی بیش از اجرای سیاست تعدیل دارد. با این حال باید توجه داشت که اختصاص مبلغی به اقشار آسیب‌پذیر فقط تا حدودی به آن‌ها کمک می‌کند و تنها تسکینی بر فقر آن‌هاست و نه مبارزه با فقر آنان. مبارزه با فقر تنها از طریق شناخت عوامل پیدایش فقر و جلوگیری از اجرا و ایجاد این عوامل امکان‌پذیر است. بنابراین، مجدداً بر انجام مطالعات برنامه‌های فقرزدایی بصورت کمی و کیفی تأکید می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که در صورتی می‌توان برای آزادسازی بازار گندم اقدام کرد که زمینه‌های کاهش پیامدهای منفی این سیاست بر روی فقر کاهش یافته باشد و یا کاهش یابد.

Archive of SID

منابع

- ابراهیمی، ع. شاخص‌های محرومیت در استان کهگیلویه و بویر احمد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویر احمد (<http://www.irandoc.ac.ir/>)
- حسن زاده، ع (۱۳۷۲)؛ *اثرات تعدیل اقتصادی بر فقر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی.
- رئیس دانا، ف (۱۳۷۹)؛ "نقد روش در پدیده‌شناسی فقر"، *مجموعه مقالات فقر در ایران*، ص ۱، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- _____؛ (۱۳۷۹)؛ "زیر خط فقر در ایران"، *مجموعه مقالات فقر در ایران*، ص ۱۵۷، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- سلامی، ح (۱۳۷۷)؛ *تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی ایران در یک مدل تعادل عمومی*، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- شوشتریان، آشان (۱۳۸۲)؛ *بررسی آثار آزادسازی بازار گندم ایران بر روی رفاه اجتماعی و فقر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- صوفی مجیدپور، م (۱۳۷۶)؛ *بررسی فقر و اندازه‌گیری خط فقر در استان کردستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- طیبیان، محمد و همکاران (۱۳۷۹)؛ *فقر و توزیع درآمد در ایران*، مؤسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی در توسعه، تهران.
- عادل‌زاده، ر (۱۳۷۵)؛ *بررسی تأثیر برخی از متغیرهای عمده سیاست اجتماعی بر توزیع درآمد در ایران ۱۳۵۰-۱۳۷۳*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱)؛ "اندازه‌گیری فقر در ایران"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۲۴، ص: ۲۷-۵۷.
- مهریار، الف (۱۳۷۳)؛ "فقر: تعریف و اندازه‌گیری آن"، *برنامه و توسعه*، شماره ۸، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، دانشگاه صنعتی اصفهان.

- Assadzadeh A and S. Paul (2001); "Poverty, growth and redistribution: A case study of Iran", Paper prepared for presentation at *a conference on Poverty and Growth*, Helsinki, 25-26 May, 2001.
- Bakhshoodeh M. and M. Piroozirad (2003); "Effects of rice price change on welfare: Evidence from households in Fars Province, Iran", Paper for presentation at *The International Conference on Policy Modeling, EcoMod 2003*, Istanbul, 3-5 July.
- Baldacci E., L. de Mello and G. Inchauste (2001); "Financial crises, poverty, and income distribution", Paper presented at the *IMF Workshop on Macroeconomic Policies and Poverty Reduction*, April 2001.
- Bannister G. J. and K. Thugge (2001); "International trade and poverty alleviation", *IMF Working Paper*, No. 01/54.
- Bulir A. (1998); "Income inequity: Does inflation matter?", *Working Paper* No. 98/7. (Washington, International Monetary Fund).
- Cardoso E. (1992); "Inflation and poverty", *NBER Working Paper*, No. 4006, Available at <http://www.nber.org/>
- Cashin P., P. Mauro, C. Pattillo and R. Sahay (2001); "Macroeconomic policies and poverty reduction: stylized facts and an overview of research", *IMF Working Paper*, No. 01/135. Available at <http://www.imf.org/>.
- Datt G. and M. Ravallion. (1996); "Macroeconomic crises and poverty monitoring: A case study for India", Discussion Paper, No.20, *International Food Policy Research Institute*. Available at <http://www.ifpri.org/>.
- Deaton, A. (1998); "Rice prices and income distribution in Thailand: A non-parametric analysis", *The Economic Journal*, 99, (395, Conference Supplement): pp. 1-37.
- Demery L. and L. Squire (1996); "Macroeconomic adjustment and poverty in Africa: An emerging picture", *World Bank Research Observe*, 11 (1), pp. 39-59. Available at <http://www.worldbank.org/>
- Devarajan S. and D. van der Mensbrugge. (2000); "Trade reform in South Africa: Impacts on households", Paper presented at *The conference on Poverty and*

the International Economy, Sponsored by the World Bank and the Parliamentary Commission on Swedish Policy for Global Development, Stockholm, October 2000.

Dollar D. and A. Kraay (2000); "Growth is Good for the Poor, forthcoming", *World Bank Policy*, Working Paper, (Washington: World Bank). Available at <http://www.worldbank.org/>

Duclos, J.Y., A. Araar and C. Fortin (2002); "DAD: Distributive Analysis / Analyse Distributive user's manual", *De'partment d'economique*, Universite' Laval, Quebec, Canada.

Garuda G. (2000); "The distributional effects of IMF programs: A cross-country analysis", *World Development*, 28, pp. 1031-1051.

Gupta S., Clements, B., McDonald, C. and Schiller, C. (1998); "The IMF and the poor", Pamphelt Series No. 52, (Washington: IMF) Available at <http://www.imf.org/>

Lipton M. and M. Ravallion (1995); "Poverty and policy", *Handbook of Development Economics*, edited by J. Behrman and T.N. Srinivasan, Amsterdam: Elsevier Science, Vol. 3, pp. 2551-2657.

Lustig N. (1999); "Crises and the poor: Socially responsible macroeconomics", *Fourth Annual Meeting of the Latin American and Caribbean Economic Association (LACEA)*, Santiago, Chile.

Mahmoudi V. (2001); "Growth equity decomposition of a change in poverty: An application to Iran", Paper presented at *The UNU/WIDER Development Conference on Growth and Poverty*, Helsinki, 25-26 May, 2001.

Minot N. and F. Goletti (2000); "Rice market liberalization and poverty in Viet Nam", *International Food Policy Research Institute (IFPRI)*, Research Report 114.

Romer M. and MK Gugerty (1997); "Does economic growth reduce poverty?", Technical Paper (Cambridge: Harvard Institute for International Development).

Winters A. L. (2000); "Trade, trade policy and poverty: What are the links?",

prepared for the World Bank's World Development Report 2000/1.
(Unpublished). Available at <http://www.worldbank.org/>

_____ (1999); "Trade liberalization and poverty", Available at
<http://www.worldbank.org/>

Archive of SID